

فرآیند عادی سازی روابط ارمنستان و ترکیه و تأثیر آن بر ترتیبات منطقه ای

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۱۲۲

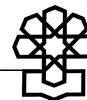
بهمن ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
۱. پیشینه روابط	۳
۱-۱. مسئله قتل عام ارمنه	۳
۱-۲. مناقشه قره‌باغ	۴
۱-۳. آغاز روند بهبود روابط	۷
۲. محرکه‌های تمایل به بهبود روابط	۹
۲-۱. دلایل ارمنستان برای عادی‌سازی روابط با ترکیه	۹
۲-۲. دلایل ترکیه برای عادی‌سازی روابط با ارمنستان	۱۱
۳. چالش‌های پیش رو	۱۳
۳-۱. ناراضایتی آذربایجان از فرآیند عادی‌سازی و نزدیکی آن به روسیه	۱۳
۳-۲. آماده نبودن افکار عمومی و برخی نخبگان سیاسی دو کشور برای پذیرش مسئله	۱۴
۳-۳. شرط نخست‌وزیر ترکیه برای اجرای نقشه راه	۱۵
۴. تأثیرات بر ترتیبات منطقه‌ای	۱۶
۵. عادی‌سازی روابط بین ترکیه و ارمنستان و تأثیر آن بر ایران	۱۸
نتیجه‌گیری	۱۹
پی‌نوشت‌ها	۲۲
منابع و مآخذ	۲۳



فرآیند عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه و تأثیر آن بر ترتیبات منطقه‌ای

چکیده

ترکیه و ارمنستان از ابتدای فروپاشی شوروی و شکل‌گیری ژئوپلیتیک جدید در قفقاز جنوبی فاقد روابط رسمی سیاسی و اقتصادی با یکدیگر بوده‌اند. اختلافات دو کشور ریشه در تحولات تاریخی دارد که مهمترین آن به موضوع کشتار ارامنه توسط دولت عثمانی در سال ۱۹۱۵ مربوط می‌شود. مناقشه قره‌باغ و حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان در این مناقشه نیز از دیگر عوامل مؤثر در سردی روابط آنکارا و ایروان محسوب می‌شود. با این حال در چند سال اخیر برخی تلاش‌ها و تحرکات در راستای بهبود روابط دو کشور انجام شده است که جدیدترین آنها مربوط به امضای معاهده‌ای برای عادی‌سازی روابط دوجانبه است. این امر موضوع امکان برقراری روابط سیاسی میان ترکیه و ارمنستان و تأثیرات و پیامدهای آن را به یکی از مسائل و موضوعات مهم منطقه تبدیل کرده است. این گزارش با اتخاذ رویکردی توصیفی و تحلیلی به بررسی محرکه‌های مؤثر در تقویت روند عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه می‌پردازد. یافته اصلی پژوهش آن است که سابقه طولانی اختلافات دو کشور در کنار برخی موانع و چالش‌های دیگر مشکلات زیادی را فراروی روند روابط دو کشور ایجاد می‌کند و از این رو تحقق سریع این روند قابل انتظار نیست. با این حال بهبود هر چند کند روابط ارمنستان و ترکیه می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی مهمی را برای منطقه به همراه داشته باشد، از جمله اینکه جمهوری اسلامی ایران را با محدودیت‌ها و در عین حال فرصت‌های جدیدی مواجه سازد.

مقدمه

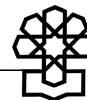
سردی و تنش سیاسی در روابط و مناسبات سیاسی ترک‌ها و ارامنه، دستکم پیشینه‌ای صدساله دارد و به سال‌های جنگ جهانی اول برمی‌گردد. ادعای ارامنه مبنی بر قتل‌عام هم‌کیشانانشان در آناتولی توسط ارتش عثمانی در سال ۱۹۱۵ میلادی، ریشه و اساس این مناقشه سیاسی است و از آن تاریخ تاکنون این مسئله سایه سرد و جو سنگین بدبینی و بی‌اعتمادی خود را بر فضای مناسبات دو طرف گسترده و شرایط سخت و پیچیده‌ای را فراروی این دو کشور قرار داده است.



جنگ دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو قره‌باغ^۱ نیز از دیگر عوامل مؤثر در سردی روابط ایروان و آنکاراست. این جنگ به تصرف ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان منجر شد. از سال ۱۹۹۳ میلادی و در روزهای اوج جنگ قره‌باغ، ترکیه در اعتراض به اشغال اراضی جمهوری آذربایجان، مرزهای خود با ارمنستان را بست و روابط سیاسی با این کشور را قطع کرد که این وضعیت تا حال حاضر پا بر جاست. با این حال از حدود سه سال پیش زمزمه‌هایی در سطح برخی رسانه‌های منطقه پیرامون امکان از سرگیری روابط سیاسی ایروان - آنکارا شنیده می‌شد تا اینکه سرژ سرکیسیان رئیس‌جمهور جدید ارمنستان اندکی پس از انتخاب خود آشکارا از آمادگی کشورش برای شروع مجدد روابط دیپلماتیک با ترکیه سخن به میان آورد.

سفر عبدا... گل رئیس‌جمهور ترکیه به ایروان در ۱۷ شهریورماه سال گذشته (۱۳۸۷) به بهانه تماشای دیدار تیم‌های ملی فوتبال دو کشور نقطه عطفی در روند از سرگیری روابط سیاسی دو کشور تلقی شد و گامی اساسی و رو به جلو به‌شمار آمد تا رهبران دو کشور اراده و خواست جدی خود را برای شروع مجدد روابط دیپلماتیک نشان دهند، زیرا از زمان تأسیس جمهوری ترکیه - سال ۱۹۲۳ میلادی - پای هیچ کدام از رؤسای‌جمهور این کشور به ارمنستان باز نشده بود. با این حال روندهای چند سال اخیر احتمال تقویت روابط سیاسی دو کشور را افزایش داده است. در اوایل سال جاری میلادی برخی رسانه‌ها اعلام کردند که مقامات دو کشور برای عادی‌سازی روابط خود براساس یک «نقشه راه»^۲ به توافق رسیده‌اند، در تازه‌ترین تحول نیز دو کشور با میانجیگری‌های سوئیس موافقتنامه‌ای را برای عادی‌سازی روابط در مهرماه گذشته به امضا رساندند. با توجه به اهمیت این موضوع و تأثیرگذاری آن در روابط و مناسبات سیاسی منطقه، نوشتار حاضر زوایای مختلف مسئله را به‌طور اختصار بررسی کرده و به تحلیل پیامدهای آن به‌عنوان یک معادله جدید در قفقاز پرداخته است. در این گزارش علاوه‌بر ذکر مختصری از پیشینه روابط ارمنستان و ترکیه به‌دلایل و انگیزه‌های هر دو کشور برای بهبود روابط دو جانبه در کنار موانع فراروی این فرآیند اشاره شده است و تأثیر این تحول بر ترتیبات منطقه‌ای به بحث گذاشته خواهد شد. همچنین با توجه به اهمیت این موضوع از منظر منافع ملی ایران درخصوص تأثیر بهبود روابط ترکیه و ارمنستان بر موقعیت و منافع کشورمان، مطالبی ارائه خواهد شد.

1. Nagorno Karabakh
2. Road Map



۱. پیشینه روابط

یکی از ویژگی‌های بارز سیاست خارجی بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای جهان سوم تأثیرات تجربیات تلخ تاریخی بر ذهنیت سیاستمداران این کشورهاست. این ذهنیت با تأثیر تعیین‌کننده، جهت اصلی سیاستگذاری و چگونگی تدوین استراتژی بلندمدت با سایر کشورها را تعیین می‌کند. براساس این، سیاست خارجی ترکیه نیز که شدیداً از برداشت‌ها، ذهنیت‌ها و تجربیات تلخ تاریخ این کشور به‌ویژه فروپاشی امپراتوری عثمانی تأثیر یافته است، بر رفتار و افکار عمومی ترک‌ها و سیاستمداران آنها در عرصه بین‌المللی اثرگذار بوده است.

روابط ترکیه با جمهوری ارمنستان از مواردی است که به‌خوبی تأثیر تحولات تاریخی بر روابط فعلی دو کشور را تأیید می‌کند. به‌ویژه آنکه ارمنستان نیز در تنظیم سیاست خارجی خود در قبال ترکیه مسائل تاریخی را به‌عنوان ملاحظه‌ای جدی مد نظر قرار می‌دهد. به‌طور کلی در بررسی پیشینه روابط دو کشور می‌باید تأثیر قاطع دو اتفاق مهم تاریخی را همواره مد نظر قرار داد این دو اتفاق عبارتند از: مسئله قتل ارامنه و مناقشه قره‌باغ.

۱-۱. مسئله قتل عام ارامنه

قطعاً طولانی‌ترین و جنجالی‌ترین اختلاف میان ترکیه و ارمنستان، مسئله قتل عام ارامنه در سال‌های پایانی حکومت عثمانی و سال‌های ابتدایی استقرار ترکان جوان در ترکیه است. اگرچه ترکیه در سال ۱۹۹۱ به‌عنوان یکی از اولین کشورها استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت، ولی همواره تلاش ارمنستان برای شناسایی بین‌المللی این کشتار و اقدامات ترکیه برای واداشتن ارمنستان از این تلاش‌ها چون بختکی بر روی روابط دو کشور سایه افکنده است.^(۱)

در این بین، تلاش لابی قدرتمند ارامنه در اروپا و آمریکا برای تحت فشار قرار دادن آنکارا و تلاش برخی از محافل غربی و اروپایی برای ناکامی عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا و احتمالاً امتیازگیری بیشتر از سران آنکارا بر شدت و دامنه اختلافات دو کشور افزوده است. در داخل دو کشور (به‌ویژه جمهوری ارمنستان) نیز افکار عمومی و حزبی با باورهای سنتی و ملی‌گرایانه یکی از موانع اصلی در کاهش تنش و درگیری‌ها محسوب می‌شوند.^(۲) این مهم زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم این حادثه تاریخی کینه‌ای عمیق را در نزد افکار عمومی ارامنه بر ضد ترکیه برانگیخته است و حتی حس انتقام‌جویی آنها را نسبت به ترکیه تشدید کرده است. ارتش سری ارامنه و گروه‌های کماندویی مدعی عدالت، برای گرفتن انتقام از ترکیه در رابطه با قتل عام ارامنه به‌وجود آمدند و عملیاتی خشونت‌آمیز را علیه ترکیه و منافع آن کشور هدایت و اجرا می‌کردند.^(۳)



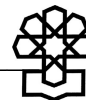
البته دولت ارمنستان در چارچوب مسئولیت‌های بین‌المللی خود ناگزیر از محدود و در مواردی ممنوع ساختن فعالیت برخی گروه‌های تندرو ارمنی بوده است. در این زمینه می‌توان به ممنوع شدن فعالیت گروه داشناک‌ها در ارمنستان اشاره کرد. داشناک‌ها مدافع اتخاذ سیاست سازش‌ناپذیر در قبال ترکیه و نیز مسئله قره‌باغ بودند و بر همین اساس فشار زیادی به دولت پطروسیان (دولت وقت) وارد می‌کردند. پطروسیان داشناک‌ها را متهم می‌ساخت که دست به فعالیت‌های غیرقانونی زده و تشکل‌های مخفی ایجاد کرده‌اند. سرانجام پطروسیان در سال ۱۹۹۴ فعالیت آنها را ممنوع اعلام کرد. با این حال گرایش‌های افراطی نسبت به ترکیه همواره در داخل ارمنستان وجود داشته است و مبنای این گرایش‌ها نیز به موضوع قتل عام ارامنه توسط ترک‌ها بازمی‌گردد.

اما دولت ترکیه هرگز مسئله تبعید اجباری یا کشتار ارامنه در فاصله سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ را نپذیرفته و از دو بعد تاریخی و حقوقی، این مسئله را رد کرده است. از بعد تاریخی، دولتمردان و ملی‌گرایان ترک، ادعا می‌کنند که با وقوع جنگ جهانی اول و در پی فروپاشی امپراتوری عثمانی، درگیری‌های داخلی در مناطق شرقی و در مجاورت جبهه جنگ با روس‌ها، مهاجرت‌ها و آثار جنگ‌های داخلی، کوچ‌ها، قحطی و بیماری‌های واگیردار شایع، تعداد قابل توجهی از ساکنان سرزمین عثمانی، شامل ارامنه، ترک‌ها، کردها و عرب‌ها را از بین برده است.

از بعد حقوقی، دولتمردان ترک، مسئولیت کارهای دولت عثمانی را تنها متوجه حکومت فعلی ترکیه نمی‌دانند. به اعتقاد این افراد، دولت عثمانی پس از فروپاشی به کشورهای مختلفی تقسیم شد و از بعد حقوق بین‌الملل، ترکیه نمی‌تواند مسئول اقدامات آن باشد. از سوی دیگر، آنها نقل و انتقال شورشیان ارمنی از مناطق درگیری به مناطق دیگر و سرکوب این شورش‌های مسلحانه را حق طبیعی هر حکومتی در راستای تأمین امنیت سرزمینی خود می‌دانند.^(۴) با این حال مقامات جمهوری ارمنستان با رد ادله دولت ترکیه و تأکید بر عامدانه بودن کشتار ارامنه، بر ضرورت پذیرش مسئولیت این نسل‌کشی از سوی دولت ترکیه اصرار می‌ورزند. بدین ترتیب اختلاف بر سر ماهیت و چگونگی کشتار ارامنه در سال ۱۹۱۵ به مهمترین و دیرپاترین اختلاف دو کشور تبدیل شده است.

۲-۱. مناقشه قره‌باغ

قفقاز جنوبی هم از بعد استراتژیک و هم از بعد قومی-سیاسی و همچنین از بعد فرهنگی به بی‌ثباتی معروف است. مسائل امنیتی متداخل موجود نه تنها به دولت‌های واقع در قفقاز جنوبی - آذربایجان، گرجستان و ارمنستان - بلکه به منافع کشورهای همسایه نیز مربوط می‌شود، این کشورها روسیه در شمال؛ ایران در جنوب؛ ترکیه، اوکراین، بلغارستان و یونان در غرب، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قزاقستان در شرق هستند. به این آمیختگی باید منافع ایالات متحده، اتحادیه اروپا و



بدون شک منافع چین را نیز افزود. در نتیجه قفقاز جنوبی به واسطه عوامل بی‌ثبات‌کننده که از خارج مرزها هدایت می‌شود، آسیب‌پذیر شده است. اختلاف قومی، نژادی، تنوع سنن فرهنگی و هویت متفاوت مردم، مشخصه بارز کل منطقه است که ممکن است در هر زمان آغازگر اختلافات و منازعاتی شود که پتانسیل تبدیل شدن به مشکلات بزرگ‌تر را دارا هستند.^(۵)

در میان بحران‌های متعدد در این منطقه، منطقه تاریخی قره‌باغ که در قفقاز جنوبی و در سرزمین جمهوری آذربایجان و در شرق جمهوری ارمنستان واقع شده است یکی از بحرانی‌ترین نقاط منطقه است. ادامه این بحران که خود میراث زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق و دوره پایان جنگ سرد است به‌شدت بر عمق تنش‌ها در این منطقه افزوده است. ادعای ارضی ارمنستان نسبت به قره‌باغ کوهستانی مسئله‌ای است که در دهه‌های متمادی دوران حکومت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی، پنهان نگاه داشته شده بود. در این دوران منطقه کوهستانی قره‌باغ که در شکل کنونی ۲۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد، همواره موضوع کشمکش دائمی بین ارمنه و آذری‌ها بوده است.^(۶)

مناقشه قره‌باغ که آغاز آن با خواسته‌های تجزیه‌طلبانه ارمنه قره‌باغ همراه بود کشته شدن ۵۰ هزار نفر از هر دو طرف را به دنبال داشت. علاوه بر این ۲۵۰ هزار نفر از آذری‌های ساکن جمهوری ارمنستان و ادار به کوچ اجباری به خاک آذربایجان شدند. پس از این اقدام ۴۰۰ هزار نفر از ارمنه ساکن در برخی شهرهای آذربایجان به منطقه قره‌باغ یا جمهوری ارمنستان کوچ کردند. علاوه بر این، جمهوری ارمنستان با اشغال استان ارمنی‌نشین قره‌باغ برخی از نقاط آذری‌نشین از خاک آذربایجان را نیز به اشغال خود درآورد و در نتیجه بسیاری از آذربایجانی‌های این مناطق خانه و کاشانه خود را از دست دادند.^(۷)

در این بین ترکیه نیز با محوریت ملاحظات نژادی، قومی و زبانی در بحران قره‌باغ از جمهوری آذربایجان حمایت می‌کند. این حمایت‌ها فقط محدود به حمایت‌های مادی و حتی نظامی نمی‌شود، بلکه دارای پشتوانه سیاسی - اجتماعی به همراه شاخصه‌های روان‌شناختی و عاطفی در بین مردم است.^(۸) در سال‌های پس از آغاز رسمی درگیری‌ها در فوریه ۱۹۸۸ و پایان درگیری‌ها در سال ۱۹۹۴ تاکنون تمامی دولت‌های ترکیه حمایت از آذربایجان در برابر ارمنستان را در صدر برنامه‌های خود قرار داده‌اند.^(۹) این حمایت‌ها تا بدان جا پیش رفت که ترکیه در سال ۱۹۹۳، به منظور حمایت از آذربایجان در مناقشه‌اش با ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ مرزهای خود با ارمنستان را بست.

به‌طور کلی می‌توان موارد ذیل را عوامل مؤثر در طولانی شدن بحران قره‌باغ دانست:

- عامل فرهنگی و مذهبی: اگرچه ارمنه و آذری‌ها به مدت هزار سال با هم زیسته‌اند، اما از نظر



فرهنگی و مذهبی در نزاع بوده‌اند، زیرا آذری‌ها مسلمان شیعه و ارمنی‌ها مسیحی هستند.^(۱۰)

- ذهنیت منفی تاریخی ارمنه از اینکه درحال محاصره شدن توسط ترک‌ها هستند: در ایجاد این ذهنیت روند سرکوب‌های دوران عثمانی به‌ویژه قتل‌عام‌ها و تبعیدهای اجباری مورد ادعای ارمنه اثرگذار بوده است.

- عامل مرزی: فقدان مشروعیت و مخدوش بودن مرزها در منطقه.

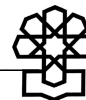
- اعمال سیاست‌های تبعیض علیه یکدیگر: اصولاً نزد آذری‌ها ارمنه شهروند درجه دو محسوب می‌شوند و آذری‌ها نیز نزد ارمنه چنین وضعیتی دارند.

- رقابت بین‌المللی در قفقاز: رقابت و مداخله قدرت‌های بزرگ در قفقاز - به‌ویژه آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه - از عوامل افزایش پیچیدگی‌های مناقشه قفقاز هستند. روسیه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی بیشترین حمایت نظامی را از طرفین مناقشه به‌عمل آورد و از مناقشه قره‌باغ و دیگر کشمکش‌های منطقه‌ای جهت حفظ نفوذش در منطقه استفاده کرد.^(۱۱) منافع ژئوپلیتیکی روسیه در جلوگیری از تبدیل جمهوری آذربایجان به پایگاه قفقازی غرب این کشور را علاقه‌مند به ادامه درگیر ساختن جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ ساخت تا ظرفیت این جمهوری برای کسب موقعیت کریدور انرژی منطقه از طریق پروژه‌های ضدروسی چون خط لوله باکو - تفلیس - جبهان زیر سؤال برود. این درحالی است که کشورهای غربی نیز در چارچوب گروه مینسک از توانایی لازم برای حل‌وفصل بحران بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های روسیه که خود در عضویت این گروه است برخوردار نبودند. ضمن آنکه آمریکا نیز بیش از آنکه عضویت در گروه مینسک را با هدف حل‌وفصل بحران قره‌باغ دنبال کند از آن به‌عنوان ابزار توسعه نفوذ خود در مسائل قفقاز و پیگیری طرح‌ها و منافعش در این منطقه از جمله در حوزه انرژی استفاده می‌کند.^(۱۲)

- مسائل سیاسی داخلی: نحوه غیردمکراتیک برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در دو کشور مشروعیت رهبران فعلی آذربایجان و ارمنستان را زیر سؤال برده و همین مسئله توانایی آنها برای حل‌وفصل مناقشه قره‌باغ را تضعیف کرده است.^(۱۳)

- تمایلات ملی‌گرایانه: وجود گرایش‌های ملی‌گرایانه شدید در آذربایجان و ارمنستان هرگونه سازش درباره مناقشه قره‌باغ را با اعتراض‌هایی در دو کشور مواجه خواهد کرد.^(۱۴)

- مسائل حقوقی: به‌لحاظ حقوقی تقابل دو اصل لزوم خدشه‌ناپذیر بودن استقلال و تمامیت ارضی یک کشور (آذربایجان) با اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها (مردم قره‌باغ) دستیابی به توافق در مورد این بحران را سخت کرده است.^(۱۵)



۳-۱. آغاز روند بهبود روابط

چنان‌که اشاره شد، ترکیه و ارمنستان سال‌هاست بنا به دلایل تاریخی روابط رسمی با یکدیگر ندارند. عموماً منشأ اختلافات کشورها در عرصه روابط بین الملل منافع گاه متضاد و متفاوت آنها در حوزه های سیاسی، ژئوپلیتیک و اقتصادی است، اما در مورد ترکیه و ارمنستان ذهنیت منفی تاریخی بر افکار عمومی دو کشور آثار نامطلوبی بر جای گذارده و تشدید اختلافات میان طرفین را موجب شده است. با وجود این قابل انکار نیست که بسیاری از حوزه‌ها در روابط دو کشور از زمینه های متعدد همگرایی و حصول به منافع مشترک برخوردار هستند. محصور بودن ارمنستان در خشکی و نیاز به بنادر کشورهای مجاور برای تجارت با جهان خارج از یکطرف و نیاز ترکیه به بهبود روابط با ارمنستان جهت تسهیل الحاق به اتحادیه اروپا از جمله محرکه‌های مؤثر در ترغیب مقامات دو کشور به بهبود روابط سیاسی دوجانبه به حساب می‌آید. بر همین اساس از چند سال پیش اقدامات و ابتکاراتی از سوی مقامات دو کشور برای بهبود روابط انجام شد. تمایل برای کاستن از سطح اختلافات سبب شد تا سرژ سرکیسیان - رئیس‌جمهور ارمنستان - از عبدا... گل دعوت کند که برای تماشای مسابقه فوتبال میان تیم‌های ارمنستان و ترکیه به ایروان سفر کند. انجام این سفر و تکرار آن از سوی سرکیسیان اگرچه با مخالفت ملی‌گرایان افراطی در دو کشور مواجه شد، اما بسیاری از روشنفکران دو کشور این سفر را که از آن با عنوان «دیپلماسی فوتبال»^۱ یاد شد، آغازی برای همکاری دو ملت به‌جای اصرار بر کینه‌های تاریخی تفسیر کردند.^(۱۶) اگرچه هنوز واقعه قتل عام یک‌ونیم میلیون ارمنی (آن‌گونه که ارامنه مدعی هستند) همانند زخمی چرکین بر روابط دو کشور خودنمایی می‌کند، ولی برخی اقدامات مثبت از سوی ترکیه - با وجود مخالفت‌های ملی‌گرایان - برای حقیقت‌یابی تاریخی درباره صحت و یا رد کشتار ارامنه و کاهش حساسیت افکار عمومی در قبال قضیه کشتار ارامنه از نمودهای آشکار حرکت آنکارا برای کاهش تنش با ارمنستان است. در واقع در سال‌های اخیر به دلیل نیاز دو کشور به یکدیگر شاهد بهبود نسبی روابط میان آنکارا و ایروان بوده‌ایم. این امر باعث شده است که ترکیه و ارمنستان چندین دور از مذاکرات را با میانجیگری برخی دولت‌های اروپایی مانند سوئیس به انجام رسانند. با وجود این هنوز هم چالش‌هایی بر سر حل نهایی اختلافات وجود دارد. این موانع عبارتند از:

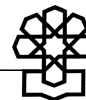
- تلاش آذربایجان برای زنده نگاه داشتن موضوع قره‌باغ کوهستانی،
- وجود مخالفت‌های داخلی به‌ویژه در مورد کشور ارمنستان،
- ذهنیت منفی ارامنه از ترک‌ها به‌ویژه در مورد بحث قتل عام ارامنه،
- وجود دوگانگی مواضع و دیدگاه‌ها در دولت ارمنستان.^(۱۷)



این موارد موجب کندی روند بهبود روابط ارمنستان و ترکیه شده است که در بخش‌های بعدی گزارش بیشتر به بحث گذاشته خواهد شد. با این حال مجموعه تلاش‌ها و رایزنی‌ها سرانجام موجب شد تا وزارت خارجه ترکیه و ارمنستان در آوریل ۲۰۰۹، بر عزم دو کشور برای عادی‌سازی روابط فی‌مابین و برقراری ارتباطات نوین همسایگی در چارچوب احترام متقابل، تأکید کرده و بر مبنای «نقشه راه» برای عادی‌سازی روابط تفاهم کنند. این نقشه راه بر موارد و ملاحظات ذیل تأکید می‌کرد:

- ارمنستان و ترکیه قرارداد قارص^۱ را که در سال ۱۹۲۱ میان اتحاد جماهیر شوروی سابق و ترکیه منعقد شده بود، می‌پذیرند.
- ترکیه و ارمنستان متعاقب معرفی سفرای خود در گرجستان به‌عنوان آکرودیتیه در پایتخت‌های دو کشور، روابط مستقیم دیپلماتیک برقرار می‌کنند.
- مرزهای ترکیه و ارمنستان بازگشایی و اسناد مربوط به مبادلات تجاری امضا می‌شود.
- پارلمان‌های دو کشور طرح‌ها و برنامه‌هایی را که از طرف ارگان‌های اجرایی در چارچوب نقشه راه مطرح و پیگیری می‌شود به بحث گذاشته و درباره آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.
- تشکیل کمیسیون بررسی ادعای تاریخی نسل‌کشی ارمنه از عصر سلطان عبدالحمید به بعد، ضمن آنکه کشور ثالث نیز می‌تواند در این کمیسیون عضویت داشته باشد.
- همچنین در اکتبر ۲۰۰۹، وزرای امور خارجه ترکیه و ارمنستان، در شهر زوریخ سوئیس توافقنامه عادی‌سازی روابط بین دو کشور را با میانجیگری وزرای امور خارجه ایالات متحده آمریکا و سوئیس به امضا رساندند. براساس این توافقنامه، دو کشور با یکدیگر روابط دیپلماتیک برقرار می‌کنند و مرزهایشان را به روی یکدیگر باز خواهند کرد.
- لازم به تأکید است که در بیانیه رسمی صادره از سوی سه کشور ترکیه، ارمنستان و سوئیس، جزئیات توافق طرفین منعکس نشده و این بندهای پنج‌گانه منتسب به توافقنامه، تاکنون از سوی مقامات رسمی ایروان و آنکارا تأیید یا تکذیب نشده است منبع اولیه اعلام بندهای توافقنامه نقشه راه همکاری‌های ترکیه و ارمنستان، روزنامه صباح ترکیه بود که تعدادی دیگر از رسانه‌های منطقه نیز به نقل از این روزنامه به انعکاس خبری آن اقدام کردند.

۱. مرزهای کنونی ترکیه با اتحاد جماهیر شوروی سابق (جمهوری‌های فعلی قفقاز جنوبی) براساس این عهدنامه ترسیم و تعیین شده است.



۲. محرکه‌های تمایل به بهبود روابط

عوامل مختلف و متعددی در پیشبرد روند بهبود و عادی‌سازی روابط سیاسی ترکیه و ارمنستان دخالت دارند. هم ترکیه و هم ارمنستان دلایل و انگیزه‌های خاص به خود را برای پیگیری این روند دارند و تلاش می‌کنند تا با حمایت از تداوم آن منافع و ملاحظات مورد نظر خود را تأمین کنند. در این بخش از گزارش مهمترین دلایل و انگیزه‌های دو کشور برای بهبود و توسعه روابط تشریح می‌شود.

۲-۱. دلایل ارمنستان برای عادی‌سازی روابط با ترکیه

پس از جنگ آگوست ۲۰۰۸ در قفقاز جنوبی میان روسیه و گرجستان بر سر اوستیای جنوبی^۱، تحولات در منطقه قفقاز جنوبی از جمله روابط ارمنستان با آذربایجان و ترکیه شکل جدیدی به خود گرفت. این جنگ به همه کشورهای منطقه از جمله ارمنستان نشان داد که «درگیری‌های سرد» در منطقه می‌تواند به آسانی به «جنگی گرم» و تمام‌عیار تبدیل شوند. این تصور می‌تواند محرکی برای باز تعریف سیاست خارجی منطقه‌ای ارمنستان و از جمله تمایل آن برای بهبود روابط با ترکیه باشد.

به‌طور کلی عوامل ذیل را می‌توان در زمره انگیزه‌های ارمنستان برای بهبود روابط با ترکیه ذکر کرد:

۲-۱-۱. دلایل سیاسی و امنیتی

برخی ملاحظات امنیتی و به‌ویژه سیاسی در افزایش تمایل ارمنستان برای بهبود روابط با ترکیه تأثیر بسزایی دارند.

بیش از همه، ارمنستان مایل است از طریق پیگیری این فرآیند معادلات امنیتی قفقاز درخصوص مسئله قره‌باغ را به سود خود بازتعریف کند. نزدیکی به ترکیه - مهمترین متحد آذربایجان - می‌تواند ترتیبات امنیتی و سیاسی قره‌باغ را به ضرر آذری‌ها و به نفع ارمنستان تغییر دهد. آذربایجان قطعاً از نزدیکی ایروان و آنکارا متضرر خواهد شد و همین امر انگیزه کافی را برای پیگیری سیاست عادی‌سازی روابط با ترکیه برای ارمنستان فراهم خواهد کرد.

هدف مهم ایروان از پیگیری چنین سیاستی ایجاد مربع ژئوپلیتیکی ارمنستان، ایران، ترکیه و روسیه است. موضع مقامات ارمنستان در آن خلاصه می‌شود که ایجاد چنین مربعی ارزش آن را دارد که کلیه مخالفت‌هایی که از سوی ارمنی‌های مقیم خارج با عقد پروتکل با ترکیه به‌وجود آمده و

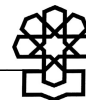


همچنین افزایش تنش‌ها در خود ارمنستان را به جان خرید. چرا که با وجود روابط خوب میان تهران و ارمنستان و به وجود آمدن ارتباط حسنه میان ایروان و آنکارا، آذربایجان در یک محاصره ژئوپلیتیکی قرار خواهد گرفت.^(۱۸)

از نظر سیاسی جمهوری ارمنستان همچنین در پی آن است که از طریق عادی‌سازی روابط با ترکیه و بازگشایی مرزها با این کشور فضای ژئوپلیتیکی خود را وسعت بخشد. قطع روابط سیاسی ارمنستان با آذربایجان و ترکیه و محدودیت مرز جغرافیایی این کشور با ایران عملاً ایروان را دچار محدودیت‌های فزاینده‌ای برای ارتباط با جهان خارج کرده است. در چنین شرایطی ارمنستان از ابتدای استقلال از اتحاد جماهیر شوروی سابق از طریق گرجستان به مسیرهای ترانزیتی روسیه دست می‌یافت و خود را از انزوای کامل ژئوپلیتیک خارج می‌کرد. در واقع از آنجایی که ارمنستان از مرز مشترک با روسیه برخوردار نیست مجبور است تا از طریق گرجستان به روسیه دسترسی پیدا کرده و از این طریق با جهان خارج ارتباط برقرار کند. با این حال رویارویی نظامی روسیه و گرجستان در سال گذشته و تیرگی روابط این دو کشور نگرانی مقامات ارمنی را درباره دسترسی مطمئن به روسیه افزایش داده است. از آنجایی که گرجستان نقش پل ارتباطی میان ارمنستان و روسیه را بازی می‌کند هر گونه تیرگی در روابط این جمهوری با مسکو می‌تواند ارمنستان را با مشکلات بیشتری برای دسترسی به روسیه مواجه کند. در چنین شرایطی سیاستمداران ارمنی بهبود روابط با ترکیه و بازگشایی مرز خود با این کشور - یکی از مهمترین مسیرهای ترانزیتی منطقه - را فرصت مناسبی برای جلوگیری از انزوای ژئوپلیتیکی خود قلمداد می‌کنند. این مسئله از محرک‌های اصلی تمایل ارمنستان به سیاست عادی‌سازی روابط با ترکیه است.

۲-۱-۲. دلایل اقتصادی

مسائل و ملاحظات اقتصادی نیز در افزایش تمایل مقامات ارمنی برای عادی‌سازی روابط با ترکیه و به ویژه بازگشایی مرزها تأثیر قابل توجهی دارند. لازم به ذکر است که بسته بودن مرز دو کشور به لحاظ اقتصادی به زیان هر دو کشور است، اما در این میان ارمنستان به نسبت ترکیه که از فرصت‌ها و موقعیت‌های اقتصادی بیشتری در منطقه برخوردار است، زیان بیشتری را متحمل می‌شود. بنا به آمار کمیته آرامنه آمریکا، تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های بازرگانی که از طرف ترکیه و آذربایجان بر ارمنستان اعمال می‌شود، سالیانه بین ۵۷۰ تا ۷۲۰ میلیون دلار به اقتصاد ارمنستان ضربه می‌زند، اما اگر مرزهای این کشورها بر روی ارمنستان باز شود، صادرات ارمنستان دو برابر شده و تولید ناخالص ملی این کشور ۳۰ تا ۳۸ درصد افزایش می‌یابد،^(۱۹) البته بسته بودن مرز میان ارمنستان و ترکیه به معنای قطع کامل مراودات تجاری شهروندان آنها با یکدیگر نیست، اما آمار حاصل از این مراودات در قیاس با تحولی که در روابط تجاری دو کشور



در صورت باز شدن مرزها ایجاد می شود ناچیز است. در سه سال اخیر صادرات ترکیه به ارمنستان ۲۸۹ میلیون دلار و صادرات ارمنستان به ترکیه ۱/۸ میلیون دلار بوده است. طبق برآورد کارشناسان، در صورت باز شدن مرزها، تبادلات بازرگانی بین دو کشور می تواند به ۱ میلیارد دلار برسد بجز این موارد بهبود روابط ارمنستان با ترکیه می تواند این جمهوری را در طرح های مربوط به انتقال انرژی منطقه نیز درگیر کند.^(۲۰) این ملاحظات نیز محرک ارمنستان برای پیگیری سیاست بهبود روابط با ترکیه است.

۲-۲. دلایل ترکیه برای عادی سازی روابط با ارمنستان

ترکیه نیز انگیزه هایی قوی برای عادی سازی روابط با ارمنستان دارد. عواملی که محرک ترکیه برای ورود به این فرآیند است را می توان در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی به شرح ذیل برشمرد:

۲-۲-۱. دلایل سیاسی

ملاحظات سیاسی بیشترین تأثیر را در تمایل مقامات ترکیه برای بهبود روابط با ارمنستان دارد. ترکیه از طریق پیگیری این فرآیند در پی تسهیل فرآیند پیوستن به اتحادیه اروپاست. از آنجایی که الحاق به این اتحادیه در زمره اولویت های مهم ترکیه در حوزه سیاست خارجی است این کشور ناگزیر از اجرای ملاحظاتی است که از سوی اتحادیه اروپا به عنوان شروط پیوستن ترکیه به این اتحادیه تعیین شده اند. مهمترین این شروط، بحث عادی سازی روابط سیاسی با کشورهای همسایه است. اتحادیه اروپا استدلال می کند تا زمانی که ترکیه با همسایگان خود دچار مشکل و تنش باشد نمی تواند عضو مطمئنی برای این اتحادیه قلمداد شود، زیرا این تنش ها قابلیت تسری به کل اروپا را پیدا خواهد کرد. از این رو این اتحادیه از ترکیه می خواهد تا از طریق بهبود روابط سیاسی با همسایگان، مسیر خود را برای پیوستن به اتحادیه اروپا تسهیل کند. طبعاً تداوم روند گذشته و قطع روابط دیپلماتیک و بسته بودن مرزها میان ترکیه و ارمنستان به معنای اجرا نشدن یکی از شروط مهم اتحادیه اروپا خواهد بود و روند الحاق آنکارا به این اتحادیه را با چالش های بیشتری مواجه خواهد کرد. از این رو سیاستمداران ترکیه از طریق سیاست بهبود روابط با ارمنستان در واقع در پی هموار ساختن مسیر پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا هستند. البته طی شدن این مسیر با موانع سرسختی از جمله مخالفت های عمیق برخی بازیگران قدرتمند اتحادیه اروپا نظیر فرانسه مواجه است. به نحوی که برخی کارشناسان بر این اعتقادند که موفقیت نسبی ترکیه در تحقق شروط اتحادیه اروپا نیز تضمین مؤثری برای الحاق آنکارا به این اتحادیه نیست.

بهبود روابط با ارمنستان از یک منظر دیگر نیز می تواند مسیر این الحاق را تسریع کند. ترکیه

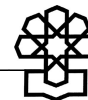


می‌کوشد تا از طریق بهبود روابط با ارمنستان نقش و نفوذ خود را که در حوزه قفقاز به‌عنوان یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیک مورد علاقه اتحادیه اروپا افزایش دهد. این امر وزن و اهمیت سیاسی آنکارا را در اروپا تقویت خواهد کرد. بدین ترتیب ترکیه با تثبیت خود به‌عنوان یک نیروی کلیدی در تأمین ثبات قفقاز جنوبی، امیدوار است که شانس بیشتری برای پیوستن به اتحادیه اروپا به‌دست آورد.^(۲۱)

دومین دلیل سیاسی پیگیری استراتژی بهبود روابط با ارمنستان به رویکرد نوین ترکیه در حوزه سیاست خارجی ارتباط دارد. در واقع این استراتژی در راستای تسهیل اجرای سیاست خارجی جدید آنکارا دنبال می‌شود. دولت ترکیه قصد دارد خود را به‌عنوان یک میانجی کلیدی و مؤثر در مناقشات منطقه‌ای معرفی کند تا از این طریق نقش خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت کند. طبیعتاً چنین بازیگری با چنین نقشی باید خود کمترین تنش و مناقشه را با دولت‌های دیگر به‌ویژه همسایگان داشته باشد. طبعاً تا زمانی که آنکارا در وضعیت تنش و تیرگی روابط با همسایگان خود از جمله ارمنستان به‌سر ببرد نمی‌تواند انتظار داشته باشد که موقعیتش در سیاست بین‌الملل به‌عنوان یک میانجی مهم منطقه‌ای و جهانی تثبیت شود.

۲-۲-۲. دلایل امنیتی

بهبود روابط با ارمنستان از منظر امنیتی نیز برای ترکیه حائز اهمیت است. در داخل ارمنستان بعضی گروه‌های سیاسی مرزهای کنونی کشورشان با ترکیه را به رسمیت نشناخته و نسبت به مناطقی از ترکیه ادعاهای ارضی دارند. از جمله می‌توان به فدراسیون انقلابی ارمنستان به‌عنوان یک حزب سیاسی حاضر در حکومت ائتلافی این کشور اشاره کرد که با طرح موضوع ارمنستان تاریخی بر ضرورت تغییر مرزهای کنونی دو کشور و انضمام مناطقی از ترکیه به ارمنستان اصرار می‌ورزد. مقامات ترکیه نسبت به چنین گرایشاتی در داخل ارمنستان نگرانی‌های امنیتی دارند و در چند سال اخیر و همزمان با افزایش تلاش‌ها برای بهبود روابط دو کشور از مقامات ارمنی خواسته‌اند که با به رسمیت شناختن مرزهای کنونی میان دو کشور به رفع این نگرانی‌ها کمک کند. در جریان مذاکرات مختلف میان مقامات دو کشور مسئولان ارمنی به همتایان ترک خود صراحتاً اعلام کرده‌اند که مرزهای کنونی میان دو کشور را به رسمیت شناخته و ادعایی در این زمینه ندارند. این امر می‌تواند دستاورد مهمی برای ترکیه به‌حساب آید. به رسمیت شناخته شدن مرزهای کنونی دو کشور از ملاحظات جدی مقامات ترکیه در مذاکرات عادی‌سازی روابط با ارمنستان است و امضای معاهده‌ای رسمی بین دو کشور که بر این امر صحنه‌گذار نگرانی امنیتی ترک‌ها را در این زمینه برطرف خواهد کرد.



۳-۲-۲. دلایل اقتصادی

همچنان که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، مسدود بودن مرز ترکیه و ارمنستان از نظر اقتصادی هر دو کشور را متضرر می‌کند. مناطقی که در ترکیه هم‌مرز با ارمنستان هستند به دلیل بسته بودن مرز با این جمهوری بسیاری از فرصت‌های مناسب اقتصادی را از دست می‌دهند. این درحالی است که بازگشایی مرز میان دو کشور تجارت در این مناطق را رونق بخشیده و به لحاظ اقتصادی منافع قابل توجهی را نصیب آنها خواهد کرد. شهرهای شرقی ترکیه به دنبال تجارت مستقیم با شهرهای ارمنستان هستند و از نسل جدید توریست‌های ارمنی برای بازدید بسیاری از اماکن تاریخی و میراث فرهنگی ارمنی در شرق ترکیه استقبال می‌کنند.^(۲۲) این ملاحظات اقتصادی از دیگر انگیزه‌های دولتمردان ترکیه برای بهبود روابط کشورشان با ارمنستان است.

۳. چالش‌های پیش رو

اگرچه رهبران آنکارا و ایروان در دو سال گذشته گام‌هایی رو به جلو برای عادی‌سازی روابط و از سرگیری مناسبات دیپلماتیک برداشته‌اند، ولی موانع و دشواری‌های موجود در مسیر، تحقق آسان و اجرای کامل بندهای منتسب به نقشه راه، آینده آن را چندان هم روشن و شفاف نشان نمی‌دهد. به‌طور کلی مهمترین موانع و چالش‌های پیش روی این برنامه عبارتند از:

۳-۱. نارضایتی آذربایجان از فرآیند عادی‌سازی و نزدیکی آن به روسیه

نارضایتی جمهوری آذربایجان از عادی شدن روابط ترکیه و ارمنستان می‌تواند باعث نزدیکی باکو به روسیه شده و برنامه‌های راهبردی غرب در منطقه قفقاز را که یکی از آنها همراهی جمهوری آذربایجان است، با مانع و مشکل مواجه کند. علائم و نشانه‌های این امر از هم‌اکنون آشکار است و از وقتی که سه کشور ترکیه، ارمنستان و سوئیس بیانیه توافقی بر سر عادی‌سازی روابط آنکارا - ایروان را صادر کرده‌اند، باکو هر چند به صورت آرام و بی‌صدا، ولی با هدف ارسال پیام به ترکیه و غرب، یک گام به سمت مسکو برداشت و در سفری که رئیس‌جمهور آذربایجان به روسیه انجام داد و در جریان مذاکرات الهام علی‌اف و دیمیتری مدودف، سخن از توافق گازی دو طرف و دور زدن پروژه پر سر و صدای ناباکو به میان آمد. قطعاً غرب حاضر به از دست دادن جمهوری آذربایجان در قبال عادی‌سازی روابط ترکیه - ارمنستان نیست و در نهایت، معادله طوری باید نوشته و اجرا شود که نقشه راه ایروان - آنکارا با رضایت باکو و عدم چرخش آن به سمت روس‌ها تحقق یابد. به‌ویژه آنکه جمهوری آذربایجان نیز با اولویت قرار دادن دیپلماسی اقتصادی در پی آن



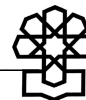
است که بیشترین منافع و مزایای اقتصادی را از تحولات منطقه‌ای نصیب خویش کند و مانع از تضعیف منافع بلندمدت خود شود. پس از فروپاشی شوروی و تمایل جمهوری آذربایجان به همکاری گسترده با شرکت‌های غربی و همچنین فراهم کردن زمینه سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در این جمهوری، عملاً چرخش کامل از سمت غرب و ترکیه به سوی روسیه برای باکو امکانپذیر نیست و این جمهوری ناگزیر از حفظ میزان قابل قبولی از پیوندهای سیاسی و اقتصادی خود با غرب است. در عین حال ترکیه هم نگران تأثیرات منفی سیاست عادی‌سازی با ارمنستان بر روابط استراتژیک خود با جمهوری آذربایجان به‌عنوان مهم‌ترین متحد آنکارا در قفقاز است. لازم به‌ذکر است که الهام علی‌اف یکبار در اعتراض به سیاست آنکارا در قبال ارمنستان از سفر به ترکیه جهت شرکت در همایش «ائتلاف تمدن‌ها» خودداری کرد. در حال باکو که به حمایت‌های ترکیه امید بسته بود و امتیازهای فراوان اقتصادی - نظامی و سیاسی به ترک‌ها واگذار کرده بود اکنون از سیاست آنکارا در زمینه نزدیکی به ارمنستان احساس سرخوردگی می‌کند. به‌گونه‌ای که یکی از تحلیلگران آذری اعلام کرده است که ترکیه از طریق بهبود روابط با ایروان در واقع از پشت به جمهوری آذربایجان خنجر زده و منافع این جمهوری را در پای دوستی با ارمنستان قربانی کرده است.^(۲۳)

اساساً مسئله روابط ارمنستان با ترکیه از روابط این کشور با آذربایجان به واسطه پیوستگی‌ها و وابستگی‌های منطقه‌ای در قفقاز جنوبی و به‌ویژه در روابط ترکیه و آذربایجان جدا نیست.

از سوی دیگر آذربایجان نسبت به موضوع بازگشایی مرزهای ترکیه و ارمنستان که در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان مجازات اشغال قره‌باغ توسط ارمنستان بسته شد به‌شدت نگرانی دارد، زیرا بدین ترتیب فشار بر ارمنستان برای حل و فصل مناقشه منطقه قره‌باغ که از نظر آذربایجان به اشغال ارمنستان درآمده است کاهش خواهد یافت.^(۲۴) آذربایجان محاصره اقتصادی ارمنستان را اهرمی مهم برای فشار بر این کشور برای حل مناقشه قره‌باغ می‌داند و اعتقاد دارد که گشایش مرز ترکیه و ارمنستان می‌تواند به از دست رفتن این اهرم فشار منجر شود.

۲-۳. آماده نبودن افکار عمومی و برخی نخبگان سیاسی دو کشور برای پذیرش مسئله

با توجه به تبلیغات وسیع و پردامنه‌ای که مقامات، مطبوعات و رسانه‌های دو کشور ترکیه و آذربایجان طی ۱۸ سال گذشته درخصوص «یک ملت و دو دولت» بودن خود انجام داده و ارمنستان را دشمن مشترک خود معرفی کرده‌اند، تغییر جهت و نگاه مردم و افکار عمومی این دو کشور به سمت و سوی خلاف آن، که آشتی با ارمنستان را دنبال کند، سهل و آسان و در یک



پروسه زمانی کوتاه‌مدت، مقدور نیست. براساس این است که به محض طرح این مسئله در رسانه‌ها، مردم هر دو کشور عکس‌العمل منفی نشان داده و صدای اعتراض بلند کردند. در ترکیه، ملی‌گراها و احزاب مخالف دولت اردوغان پرچم‌دار این مخالفت و اعلام موضع منفی بودند و در جمهوری آذربایجان هم نه تنها مردم و احزاب مخالف، بلکه دولتمردان و حزب حاکم نیز روی خوشی به این مسئله نشان ندادند. حتی در ارمنستان نیز قره‌باغی‌ها و احزاب افراطی به‌ویژه حزب داشناکسیون مخالفت خود را با عادی‌سازی روابط آنکارا و ایروان، بدون تسلیم شدن طرف ترک در برابر شروط ارمنی‌ها (پذیرش نسل‌کشی و پرداخت غرامت از سوی ترکیه) اعلام کردند. این مقاومت‌ها و مخالفت‌های قوی داخلی یکی از موانع فراروی رهبران سیاسی دو کشور برای پیگیری روند عادی‌سازی روابط است.

۳-۳. شرط نخست‌وزیر ترکیه برای اجرای نقشه راه

رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه چندین بار اعلام کرده است که تا قبل از حل و فصل مناقشه قره‌باغ و آزادسازی اراضی آذری‌ها از سوی ارمنستان، کشورش به بازگشایی مرزهای خود با ارمنستان اقدام نخواهد کرد. وی در سفری که اردیبهشت ماه به باکو داشت، پس از ملاقات با الهام علی‌اف در مصاحبه‌ای بار دیگر به اعلام و تکرار این موضع پرداخت و یادآور شد که چون دلیل بسته شدن مرزهای ترکیه با ارمنستان، اشغال اراضی جمهوری آذربایجان از سوی ایروان است، بنابراین بازگشایی مرزها نیز باید با از میان رفتن همان عامل - که رفع و خاتمه اشغال است - انجام شود.^(۲۵)

بدیهی است که مشروط کردن اجرای نقشه راه توافق شده میان ترکیه و ارمنستان به حل و فصل مناقشه قره‌باغ و آزادسازی اراضی جمهوری آذربایجان، آینده این توافق را با ابهام مواجه کند، زیرا بعید است تحقق شرط تعیین شده به‌راحتی و در مدت زمانی کوتاه مقدور باشد. پیچیدگی مناقشه قره‌باغ و باز کردن گره آن با توجه به اینکه دو طرف درگیر و قدرت‌های منطقه و جهان در قالب گروه مینسک از سال ۱۹۹۲ میلادی در تلاش برای حل آن هستند، دشوارتر از آن است که پاسخگوی شرط اردوغان باشد. البته به موازات این موضع‌گیری، عبدا... گل رئیس‌جمهور ترکیه در تلاش است تا با ادبیات ملایم‌تر، چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای از آینده نقشه راه ترسیم کرده و کشورهای منطقه را به‌صورت توأمان در این قضیه ذینفع قلمداد کند. وی در اظهار نظری یادآور شد که «از سرگیری روابط ترکیه و ارمنستان برای کل منطقه نتایج مثبتی به همراه دارد و این اقدام نگرانی‌ها و دغدغه‌های تمامی کشورهای منطقه از جمله آذربایجان را در نظر می‌گیرد».^(۲۶) با این حال تردیدی نیست که مشروط ساختن پیگیری روند عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان به



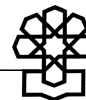
خروج نیروهای ارمنی از قره‌باغ (با توجه به غیرمتمثل بودن این اتفاق) مانعی جدی برای تحقق این روند خواهد بود.

۴. تأثیرات بر ترتیبات منطقه‌ای

منطقه قفقاز جنوبی به لحاظ موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خود از اهمیت و اعتبار زیادی در محاسبات منطقه‌ای و جهانی برخوردار است. این اهمیت توجه فزاینده بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز را در پی داشته است. تلاش برای تأمین منافع و پیگیری علایق از سوی هر یک از این بازیگران، ترتیبات مختلفی را به لحاظ سیاسی، امنیتی و اقتصادی در منطقه آرایش داده است. در عین حال باید به این نکته توجه داشت که وقوع تحولات مهم، تاریخی و برجسته در هر سیستم یا زیرسیستم منطقه‌ای بروز تغییر و تحول در ترتیبات آن را محتمل ساخته و می‌تواند شکل‌گیری صف‌آرایی‌ها و آرایش‌های جدید را موجب شود. کما اینکه رویارویی نظامی سال گذشته میان روسیه و گرجستان تأثیر مهمی بر ترتیبات سیاسی و امنیتی قفقاز بر جای گذاشت. بر این اساس و با توجه به اهمیت و حساسیت اوج‌گیری روند عادی‌سازی روابط میان ترکیه و ارمنستان می‌توان انتظار داشت که تکمیل این روند پیامدهای بالقوه و بالفعل مختلفی را برای ترتیبات موجود در منطقه ماورای قفقاز به همراه داشته باشد.

بدون شک یکی از اولین تأثیرات بالقوه تکمیل این فرآیند بر شرایط و ترتیبات حاکم بر مهمترین و دیرپاترین مناقشه منطقه یعنی مناقشه قره‌باغ خواهد بود. عادی شدن روابط ترکیه و ارمنستان به معنای نزدیکی دو طرف مناقشه قره‌باغ است و از این رو می‌تواند در تسهیل و تسریع فرآیند حل و فصل این مناقشه بسیار تأثیرگذار باشد. اساساً در هر مناقشه‌ای خواه منطقه‌ای یا بین‌المللی نزدیکی طرفین مناقشه به یکدیگر و آغاز روند بهبود روابط میان آنها از شروط اصلی و مورد نیاز برای کاهش سطح تنش و نیل به توافقی جامع به حساب می‌آید. ترکیه از مخالفان ارمنستان در جریان مناقشه قره‌باغ بوده است و از این رو نزدیکی روابط دو کشور می‌تواند به طور بالقوه تأثیر مثبتی بر روند حل و فصل مناقشه بر جای گذارد.

به طور همزمان نزدیکی ترکیه - مهمترین متحد و مدافع جمهوری آذربایجان - به ارمنستان ممکن است طرف آذری را نسبت به تقویت روابط با بازیگران دیگر راغب کند. کما اینکه پس از جدی شدن مباحث مربوط به احتمال بهبود روابط آنکارا و ایروان، اخبار و گزارش‌هایی درباره افزایش تمایل طرف آذری برای گسترش همکاری‌ها با روسیه به‌ویژه در بخش انرژی منتشر شد. از سوی دیگر جمهوری ارمنستان در صورت عادی شدن روابط با ترکیه فضای ژئوپلیتیکی و



گسترده‌تری را برای طراحی و تنظیم سیاست خارجی خود خواهد یافت. عادی شدن روابط دو کشور پتانسیل لازم را برای تغییر موازنه قدرت در منطقه از طریق کاهش وابستگی ارمنستان به روسیه فراهم خواهد کرد. اگر ترکیه مرز خود با ارمنستان را بازگشایی کند، این جمهوری محصور در خشکی از طریق بنادر دریای مدیترانه و سیاه امکان بیشتری برای تجارت خواهد داشت و وابستگی آن به تسهیلات ترانزیتی روسیه کمتر خواهد شد.^(۲۷)

طرف دیگر قضیه در معادلات قفقاز جنوبی، روسیه است و این کشور تحت هیچ شرایطی حاضر نیست از منافع خود در این منطقه مهم و ژئواستراتژیک که آن را در زمره حیاط خلوت خویش تعریف می‌کند صرف‌نظر کند. بدون تردید اجرای نقشه راه میان ترکیه و ارمنستان تقویت حضور و موقعیت آنکارا در قفقاز را در پی خواهد داشت. این مسئله ممکن است با منافع روسیه در منطقه در تضاد باشد. نباید از نظر دور داشت که ترکیه عضو دائم و مهم ناتو است و از متحدان غرب به‌شمار می‌رود و در صورت حضور پررنگ در معادلات قفقاز، علاوه بر ظاهر شدن در قامت یک رقیب برای مسکو می‌تواند، نمایندگی و عاملیت غرب را هم در منطقه برعهده گیرد. از این رو قابل انتظار است که روسیه با احساس خطر از افزایش نفوذ ترکیه در حوزه قفقاز تدابیر تازه‌ای را برای پیشگیری از فرسایش موقعیت خود در منطقه به‌کار گیرد و سازوکارهای جدیدی را برای توسعه نفوذش در قفقاز تعریف کند.

بدین ترتیب، بهبود روابط ترکیه و ارمنستان می‌تواند آرایش سیاسی موجود در منطقه و ائتلاف‌های شکل گرفته در آن را تغییر دهد، از جمله آنکه محور سنتی ارمنستان، روسیه و ایران را که در برابر محور آمریکا، ترکیه و آذربایجان شکل گرفته بود تضعیف کند. البته محور دوم نیز تحت تأثیر نارضایتی فزاینده آذربایجان از سیاست ترکیه مبنی بر نزدیکی به ارمنستان به‌طور اجتناب‌ناپذیری تضعیف خواهد شد. ممکن است، نتیجه شکل‌گیری ائتلاف‌های جدیدی در منطقه باشد.

دامنه تأثیر بهبود روابط ترکیه و ارمنستان بر ترتیبات منطقه قفقاز می‌تواند تا حوزه امنیت انرژی در این منطقه توسعه یابد. به اعتقاد برخی تحلیلگران تأثیر احیای روابط ترکیه و ارمنستان بر موازنه قدرت در قفقاز می‌تواند پیامدهایی جدی برای امنیت انرژی اروپا داشته باشد. جمهوری آذربایجان با احساس خطر از انزوای منطقه‌ای ممکن است در صدد جلب حمایت روسیه که به‌طور سنتی حامی ارمنستان بوده است برآید. برخی کارشناسان معتقدند این سیاست ممکن است از طریق تغییر سیاست آذربایجان در زمینه فروش گاز پیگیری شود به‌نحوی که این کشور به شرط به‌دست آوردن حمایت روسیه حجم قابل توجهی از فروش گاز خود را به‌جای اتحادیه اروپا به این کشور اختصاص دهد.^(۲۸) چرخش سیاسی آذربایجان می‌تواند تحقق پروژه‌های پرسروصدایی چون



ناباکو را که ترکیه منافع عمده‌ای در آن دارد با چالش مواجه کند. اساساً جمهوری آذربایجان در طرح‌های انتقال انرژی منطقه که به تقویت موقعیت ترانزیتی ترکیه می‌انجامد نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند و از این رو تغییر سیاست‌های این جمهوری در منطقه تأثیرات قابل توجهی را در حوزه ابتکارات مربوط به انتقال ذخایر انرژی حوزه خزر برجای خواهد گذارد. در این صورت طرح‌های انرژی منطقه و ترتیبات امنیتی مرتبط با آن می‌تواند با تغییراتی مواجه شود. البته نباید از نظر دور داشت که جمهوری آذربایجان در حال حاضر از ظرفیت و پتانسیل لازم برای اتخاذ یک سیاست خارجی کاملاً متفاوت با آنچه که در دوره پساجنگ سرد پیگیری کرده است برخوردار نیست، چه اینکه آذربایجان در تمام این دوران با نزدیکی به غرب به تعیین و تشکیل زیرساخت‌های خود اقدام ورزیده و بخش مهمی از حلقه ژئوپلیتیکی غرب در معادلات انرژی منطقه به حساب می‌آید.

تأثیر بهبود روابط ترکیه و ارمنستان بر ترتیبات انرژی منطقه همچنین می‌تواند از طریق فراهم شدن فضا برای مشارکت ارمنستان در طرح‌های مربوط به ترانزیت انرژی منطقه مورد بحث قرار گیرد. همان‌طور که جمهوری گرجستان طی دو دهه گذشته از طریق مشارکت در طرح‌هایی چون خطوط باکو - تفلیس - جیهان در ژئوپلیتیک انرژی منطقه ایفای نقش کرد می‌توان احتمال مشارکت ارمنستان در طرح‌های انتقال انرژی نفت و گاز منطقه را نیز پس از بهبود روابط این کشور با ترکیه قابل تصور دانست. از این جهت عادی‌سازی روابط دو کشور علاوه بر تأثیرات بر ترتیبات سیاسی و امنیتی، از نظر اقتصادی نیز می‌تواند معادلات منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

۵. عادی‌سازی روابط بین ترکیه و ارمنستان و تأثیر آن بر ایران

با دو نگاه مختلف می‌توان تأثیر این عادی‌سازی بر ایران را مورد بررسی قرار داد. در نگاه بدبینانه ممکن است ارمنستان پس از عادی‌سازی روابط با ترکیه، روابطش را با ایران در قیاس با گذشته کاهش دهد. نگاه خوش‌بینانه این است که روابط ایران و ارمنستان روابطی بسیار راهبردی و بلندمدت است که هر دو کشور به آن نیاز دارند. ایران نیز برای دسترسی به بازارهای قفقاز از راه زمینی به ارمنستان نیاز دارد. ارامنه می‌دانند که اگر روابطشان با ترکیه هم عادی شود باز هم به ایران نیاز خواهند داشت. این نیاز یک‌طرفه نیست، بلکه یک رابطه دوطرفه است و هر دو کشور از لحاظ تاریخی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی روابط بسیار نزدیکی دارند.

دسترسی به قفقاز برای ایران اهمیت حیاتی دارد و از طرف دیگر ایران تنها مسیر دسترسی ارمنستان به خلیج فارس و در عین حال در زمره بهترین گزینه‌ها برای توسعه روابط خارجی این کشور است، زیرا ارمنستان در منطقه شرق با آذربایجان مشکلات جدی دارد و در شمال هم



ناامنی‌های بسیاری وجود دارد که امکان دسترسی ارمنستان به جهان خارج را دشوار می‌کند. در چنین شرایطی ایران اهمیت بسیار زیادی برای ارمنستان دارد. این اهمیت تحت تأثیر عادی‌سازی مناسبات ارمنستان و ترکیه به‌طور کامل از بین نخواهد رفت به‌ویژه آنکه ایران در نظر ارمنستان کشوری دوست و بیطرف محسوب می‌شود.

علیرغم این واقعیات تسریع روند عادی‌سازی روابط ترکیه با جمهوری ارمنستان می‌تواند برخی پیامدهای احتمالی را برای موقعیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در قفقاز در پی داشته باشد. محور سیاسی ایران، ارمنستان و روسیه که در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان واکنشی به محور آمریکا، ترکیه و آذربایجان در منطقه شکل گرفت ممکن است بر اثر تمایل ترکیه برای عادی‌سازی روابط با ارمنستان و روسیه تضعیف شود. همچنین عادی‌سازی روابط ترکیه با جمهوری ارمنستان از اتکای ژئوپلیتیک این جمهوری به ایران خواهد کاست و بازگشایی مرز ارمنستان و ترکیه مسیر جغرافیایی جدیدی را غیر از ایران در اختیار ارمنستان قرار خواهد داد. البته اگر چرخش سیاسی جمهوری آذربایجان به سمت روسیه را به‌عنوان پاسخی به فرآیند عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان مسلم فرض کنیم این امر می‌تواند چالش مهمی برای آینده مسیر ترانزیتی شرق به غرب جهت انتقال انرژی منطقه که ترکیه جایگاهی محوری در آن دارد قلمداد شود. این وضعیت آینده طرح‌هایی چون طرح ناباکو که بر مبنای این مسیر طراحی شده‌اند را نیز با چالش مواجه خواهد کرد. نتیجه می‌تواند افزایش اهمیت سایر مسیرها از جمله مسیر ترانزیتی شمال به جنوب باشد که موقعیت ایران در آن موقعیتی ممتاز است. این مسائل بیانگر آن است که فرآیند عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان به‌طور همزمان فرصت‌ها و چالش‌هایی را متوجه ایران خواهد کرد و همین امر ضرورت زیر نظر داشتن تحولات معطوف به پیشبرد این فرآیند را به الزامی قاطع برای دستگاه سیاستگذاری خارجی ایران تبدیل می‌کند. جمهوری اسلامی ایران در ابعاد استراتژیک باید جایگاه خود را منطبق با تحولات و رخدادهای منطقه‌ای و از طریق تعریف سهم و جایگاه خود در قفقاز جنوبی بازیابی کند. این امر مستلزم برخورداری از تمرکز جدی در حوزه قفقاز، طراحی دیپلماسی فعال در قبال تحولات قفقاز و برخورداری از دستور کار و برنامه عمل منطبق با ظرفیت‌های ملی در برابر هر یک از کشورهای منطقه و بازیگران بین‌المللی است.

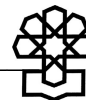
نتیجه‌گیری

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، خصومت میان ترکیه و ارمنستان یکی از روندهای قطعی و اصلی معادلات حوزه ماورای قفقاز بوده است. این خصومت در سال‌های گذشته مقامات دو



کشور را در طرح‌ریزی و اجرای سیاست خارجی خود در منطقه تابع الزامات محدودیت‌زای خاصی می‌کرد. ترکیه در پیگیری منافع ملی خود در قفقاز ناگزیر از نادیده گرفتن مزایای اقتصادی^۱ و به‌ویژه سیاسی ناشی از روابط با جمهوری ارمنستان بود و ارمنستان نیز به‌طور متقابل حصر ژئوپلیتیکی خود را با از دست دادن فرصت روابط با ترکیه شدت می‌بخشید. بدون شک ملاحظات و مشکلات تاریخی به‌ویژه کشتار ارمنه و اختلافات عمیق دو کشور بر سر آن متغیر اصلی در تداوم این وضعیت بوده است. با این حال طی سالیان اخیر گرایش فزاینده‌ای میان دولتمردان هر دو کشور برای باز تعریف روابط دوجانبه از طریق پرهیز از اصالت بخشیدن به وقایع تاریخی و اولویت دادن به منافع جاری و عینی به‌وجود آمده است و این مسئله تمایل به تقویت و توسعه روابط نزد هر دو کشور را تقویت کرده است. آنچه دولتمردان کنونی ترکیه را برای پیگیری این روند در مقطع کنونی مصمم می‌کند علاقمندی به تثبیت و پیشبرد سیاست خارجی نوین این کشور است که به‌ویژه در چند سال اخیر در راستای توسعه نفوذ منطقه‌ای آنکارا از جمله از طریق تبدیل شدن به مهمترین میانجی منطقه پیگیری می‌شود. ایفای چنین نقشی منوط به آن است که ترکیه کمترین تنش سیاسی را با همسایگان و از جمله ارمنستان داشته باشد. این ملاحظه در کنار ملاحظات قدیمی‌تر ترکیه نظیر تسهیل مسیر الحاق به اتحادیه اروپا از ملاحظات قوی آنکارا برای پیگیری سیاست تنش‌زدایی با ارمنستان است. جمهوری ارمنستان نیز پس از تشدید تیرگی روابط گرجستان و روسیه که بر اثر جنگ دو کشور در آگوست ۲۰۰۸ پدید آمد و در نتیجه دشواری دسترسی به روسیه از طریق گرجستان انگیزه‌های مضاعفی را برای بهبود روابط با ترکیه پیدا کرد. در واقع دولتمردان ترکیه و ارمنستان بدین درک مشترک دست یافته‌اند که توسعه و بهبود روابط دوجانبه مزایا و فرصت‌های بیشتری را نسبت به روابط خصمانه نصیب آنها خواهد کرد. این امر به شکل‌گیری محرکه‌ها و انگیزه‌های لازم برای پیگیری فرآیند عادی‌سازی مناسبات منجر شده است که به‌طور بالقوه می‌تواند پیامدهای مختلفی را به همراه داشته باشد. همچنان که نظام امنیتی و سیاسی قفقاز جنوبی از تیرگی روابط ارمنستان و ترکیه تأثیر پذیرفته و این تأثیر در ترتیبات حاکم بر منطقه بازتاب یافته است. قابل انتظار است که تکمیل فرآیند عادی‌سازی روابط دو کشور نیز آرایش سیاسی حاکم بر منطقه را مستعد تغییر سازد. این امر می‌تواند متضمن ظهور فرصت‌ها و تهدیدات همگن یا ناهمگنی برای همه کشورهای مرتبط با حوزه قفقاز جنوبی و از جمله جمهوری اسلامی ایران باشد. قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار بر معادلات قفقاز نیز از تکمیل فرآیند بهبود روابط ارمنستان و ترکیه تأثیر خواهند

۱. همچنان‌که در بخش‌های قبلی گزارش اشاره شد مناطقی که در ترکیه هم مرز با ارمنستان هستند به‌دلیل بسته بودن مرز با این جمهوری بسیاری از فرصت‌های اقتصادی را از دست می‌دهند. به اعتقاد کارشناسان بازگشایی مرز دو کشور تجارت در این مناطق را رونق می‌بخشد و موجبات بهبود وضعیت آنها را فراهم می‌کند.



پذیرفت. در این میان روسیه به‌عنوان بازیگر سنتی منطقه می‌تواند منافع مختلفی را از قبل این موضوع نصیب خود کند. در زمینه انرژی، روی آوردن سریع جمهوری آذربایجان به مسکو برای همکاری‌ها در این بخش از یک‌طرف و به‌طور همزمان احتمال تضعیف طرح‌های انرژی مورد حمایت غرب در منطقه که در اثر نزدیکی آذربایجان به مسکو رخ خواهد داد موقعیت روسیه در معادلات انرژی منطقه را بهبود خواهد بخشید. از لحاظ سیاسی نیز تضعیف محور ترکیه و آذربایجان که زمانی یکی از انگیزه‌های تشکیل آن صف‌آرایی در برابر روسیه بود و تمایل توأمان دو کشور برای بهبود روابطشان با مسکو از دیگر فرصت‌هایی است که روسیه را در مقام یک بازیگر برنده در قبال روند توسعه روابط آنکارا و ایروان قرار خواهد داد. روسیه با تقویت موقعیت و نفوذ خود در منطقه همچنین امکان بیشتری برای مهار گرایش‌های مرکزگرایانه در منطقه به‌ویژه از سوی جمهوری گرجستان خواهد داشت و اساساً در چنین شرایطی نادیده گرفتن نقش و تأثیر مسکو در منطقه برای هر بازیگری دشوار خواهد بود. ایالات متحده آمریکا نیز که با هر دو کشور ترکیه و ارمنستان رابطه خوبی دارد امیدوار است که بهبود روابط میان آنها به کاهش وابستگی ارمنستان به روسیه و ایران منجر شده و این جمهوری نقش فعال‌تری در منطقه برعهده گیرد. ارمنستان به‌عنوان کشوری مسیحی و برخوردار از تشابهات فرهنگی و تمدنی با غرب می‌تواند از طریق ترکیه ارتباط بیشتری با جهان غرب برقرار کرده و روند توسعه نفوذ اروپا و آمریکا را در حوزه قفقاز تسهیل کند.

با طرح این احتمالات باید چنین فرض کرد که در صورت حل اختلافات میان ترکیه و ارمنستان ابعاد آثار این تحول را باید در تغییر چهره سیاسی و استراتژیک منطقه جستجو کرد و در انتظار دسته‌بندی‌های جدید در منطقه بود. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران چنانچه نتواند جایگاه تاریخی و استراتژیک خود را در این معادلات تعریف کند، دچار انزوای سیاسی در حیات خلوت تاریخی خود خواهد شد.

با این حال تردیدی نیست که فرآیند عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان با مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای مواجه است که تحقق و تکمیل آن در کوتاه‌مدت را قابل انتظار نساخته و قطعیت تحقق آن در بلندمدت را نیز با دشواری‌هایی روبرو می‌کند. در این میان ترکیه نگران آن است که پیگیری سیاست تقویت روابط با ارمنستان به از دست رفتن مهمترین متحد منطقه‌ای این کشور یعنی جمهوری آذربایجان منجر شود. مواضع منفی مقامات آذری در قبال سیاست جدید ترکیه نسبت به ارمنستان و نیز تمایل آنها برای گسترش همکاری‌ها با روسیه به‌شدت به این نگرانی ترک‌ها دامن می‌زند. از سوی دیگر ترکیه مطمئن نیست که پیگیری سیاست بهبود روابط با همسایگان از جمله ارمنستان تضمینی برای تسهیل روند الحاق این کشور به اتحادیه اروپا باشد، زیرا در داخل این اتحادیه گرایش قوی در خصوص ناسازگاری مبنایی و هویتی اتحادیه اروپا با

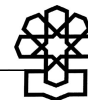


ترکیه وجود دارد که مانع از ترسیم چشم‌اندازی مثبت از تکمیل روند الحاق می‌شود. این مسئله یکی از پایه‌های توجیهی بهبود روابط با ارمنستان را نزد ترکیه تضعیف می‌کند.

همچنین متأثر بودن کیفیت تنش‌آلود روابط سیاسی ترکیه و ارمنستان از مسائل و وقایع تاریخی به‌ویژه موضوع کشتار ارمنه در سال ۱۹۱۵، عمومیت ذهنیت منفی دو ملت نسبت به یکدیگر را در پی داشته و همین مسئله به بزرگ‌ترین چالش رهبران دو کشور برای پیگیری فرآیند عادی‌سازی روابط تبدیل شده است. به‌طور طبیعی این ذهنیت منفی مقاومت‌های داخلی در هر دو کشور را برای توسعه روابط افزایش می‌دهد، از این‌رو حتی در صورتی که در میان نخبگان دو کشور اجماع فراگیری در خصوص ضرورت پیگیری روند عادی‌سازی پدید آید، آنگاه فائق آمدن بر مقاومت‌های داخلی از طریق متقاعد ساختن افکار عمومی دو کشور و تغییر ذهنیت منفی متقابل مردمی، اولین و مهمترین چالش فراروی سیاستمداران ترکیه و ارمنستان برای پیگیری فرآیند بهبود روابط دوجانبه خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. سیامک، کاکایی. آب شدن روابط ترکیه و ارمنستان؛ دیپلماسی فوتبال، همشهری دیپلماتیک، شهریور و مهر ۱۳۸۷، ص ۵۰.
۲. مهرزاد، طباطبایی. احیای روابط ارمنستان- ترکیه: ادامه آرمان‌گرایی یا غلبه منافع ملی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان ۱۳۸۲، صص ۱۰۳-۱۰۵.
۳. مجتبی، تهامی. امنیت ملی؛ دکترین سیاست‌های دفاعی و امنیتی، (جلد ۲)، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۸۴، ص ۱۶۲.
۴. بهزاد، احمدی لفورکی. منع انکار نسل‌کشی: تأملی بر کشتار ارمنه به بهانه تصویب لایحه منع انکار در پارلمان فرانسه، نگاه حوزه، ۱۳۸۶/۶/۶.
۵. گرانیک، استریان. کشورهای مشترک‌المنافع (ویژه مسائل امنیتی CIS)، ترجمه فخرالدین سلطانی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر تهران، ۱۳۸۳، صص ۶۳-۶۴.
۶. علیرضا، هاشمی. امنیت در قفقاز جنوبی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۶۹.
۷. علی، عباس‌اف و هاریتون چاخاتوریان. مناقشه قره‌باغ، آرمان‌ها و واقعیت‌ها، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، صص ۱۵-۱۶.
۸. همان.
۹. مهرزاد، طباطبایی. پیشین، ص ۹۱.
۱۰. علیرضا، هاشمی. پیشین، ص ۷۱.
11. Fariz Ismailzade, "Moscow Declaration On Nagorno – Karabakh: A View From Baku, Turkish Policy Quarterly: Volume 7, Number 3, 68.
12. Andrei Areshev, The osce Minsk Group as a Tool To Promote U.S Interests in the Caucasus". Global Research, July 29, 2007.



۱۳. مهدی، امیری. تحولات سیاسی در آذربایجان و ارمنستان و تداوم بحران قره‌باغ، گزیده تحولات جهان، شماره ۲۵، خرداد ۱۳۸۳، صص ۵۲-۵۷.
۱۴. علی، تیزتک. نگاهی به روند و چشم‌انداز بحران قره‌باغ، رویدادها و تحلیل‌ها، اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۵۶.
۱۵. علی، عباس‌اف و هاریتون چاخارتوریان. پیشین، صص ۴۱-۴۵.
۱۶. سیامک، کاکایی. پیشین، ص ۵۰.
۱۷. جلیل، روشندل و رافیک قلی‌پور. ارمنستان، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۱۳۹.
۱۸. حیدر، جمال. محاصره ژئوپلیتیکی ایران از جمله وظایف آمریکاست، سایت فارسی ریانووستی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۴.
۱۹. آرزو، دیلمقانی. با آغاز روابط میان ترکیه و ارمنستان یخبندان تاریخی تمام شد، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۸۸/۷/۱۸.
۲۰. عادی‌سازی روابط با آغاز دشوار، خبرگزاری روسیه، ۲۰۰۹/۱۰/۱۶.
21. Ahto Lobjakas, "Turkish-Armenian Rapprochement Leaves Many questions Unanswered", Eurasia Insight, 10/18/2009.
22. "Armenia and Turkey; A Door Opens, Slowly", Turkish Forum, April 28, 2009.
23. Shahin Abbasov, "Is Baku ready to cause geopolitical problems over Turkish-Armenian thaw?" www.militaryphotos.net
24. "Turkey, Armenia, and the Azerbaijan delay" - The Boston Globe, 24 May, 2009.
۲۵. علیرضا، نوری. فرآگرد عادی‌سازی روابط در سیاست خارجی ارمنستان، سایت ایراس، ۱۳۸۸/۵/۳۱.
26. "Armenian-Azerbaijani War", Wikipedia, The Free Encyclopedia, www.en.wikipedia.org.
27. Nicholas Clayton, "Better Relations With Turkey Could Aid Armenia", The Washington Times, 13 August, 2009.
28. Adrian Blomfield, "Energy Security Fears Over Armenia- Turkey Talks", Daily Telegraph, 7 May, 2009.

منابع و مأخذ

۱. احمدی لفورکی، بهزاد. منع انکار نسل‌کشی: تأملی بر کشتار ارمنه به بهانه تصویب لایحه منع انکار در پارلمان فرانسه، پگاه حوزه، ۱۳۸۶/۶/۶.
۲. استریان، گرانیک. کشورهای مشترک‌المنافع (ویژه مسائل امنیتی CIS)، ترجمه فخرالدین سلطانی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر تهران، ۱۳۸۳.
۳. امیری، مهدی. تحولات سیاسی در آذربایجان و ارمنستان و تداوم بحران قره‌باغ، گزیده تحولات جهان، شماره ۲۵، ۱۳۸۳.
۴. تهامی، مجتبی. امنیت ملی؛ دکترین سیاست‌های دفاعی و امنیتی، (جلد ۲)، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۸۴.
۵. تیزتک، علی. نگاهی به روند و چشم‌انداز بحران قره‌باغ، رویدادها و تحلیل‌ها، ۱۳۸۷.
۶. جمال، حیدر. محاصره ژئوپلیتیکی ایران از جمله وظایف آمریکاست، سایت فارسی ریانووستی، ۱۳۸۸/۱۰/۲۴.
۷. دیلمقانی، آرزو. با آغاز روابط میان ترکیه و ارمنستان یخبندان تاریخی تمام شد، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۸۸/۷/۱۸.



۸. روشندل، جلیل و رافیک قلی‌پور. ارمنستان، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۹. طباطبایی، مهرزاد. احیای روابط ارمنستان- ترکیه: ادامه آرمان‌گرایی یا غلبه منافع ملی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۸۲.
۱۰. عادی‌سازی روابط با آغاز دشوار، خبرگزاری روسیه، ۲۰۰۹/۱۰/۱۶.
۱۱. عباس‌اف، علی و هاریتون چاخاتوریان. مناقشه قره‌باغ، آرمان‌ها و واقعیت‌ها، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
۱۲. کاکایی، سیامک. آب شدن روابط ترکیه و ارمنستان؛ دیپلماسی فوتبال، همشهری دیپلماتیک، شهریور و مهر ۱۳۸۷.
۱۳. نوری، علیرضا. فرآگرد عادی‌سازی روابط در سیاست خارجی ارمنستان، سایت ایراس، ۱۳۸۸/۵/۳۱.
۱۴. هاشمی، علیرضا. امنیت در قفقاز جنوبی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
15. "Armenia and Turkey; A Door Opens, Slowly", Turkish Forum, April 28, 2009.
16. "Armenian-Azerbaijani War", Wikipedia, The Free Encyclopedia, www.en.wikipedia.org.
17. "Turkey, Armenia, and the Azerbaijan delay" - The Boston Globe, 24 May, 2009.
18. Adrian Blomfield, "Energy Security Fears Over Armenia- Turkey Talks", Daily Telegraph, 7 May, 2009.
19. Ahto Lobjakas, "Turkish-Armenian Rapprochement Leaves Many questions Unanswered", Eurasia Insight, 10/18/2009.
20. Andrei Areshev, "The osce Minsk Group as a Tool To Promote U.S Interests in the Caucasus". Global Research, July 29, 2007.
21. Fariz Ismailzade, "Moscow Declaration On Nagorno – Karabakh: A View From Baku, Turkish Policy Quarterly: Volume 7, Number 3, 68.
22. Nicholas Clayton, "Better Relations With Turkey Could Aid Armenia", The Washington Times, 13 August, 2009.
23. Shahin Abbasov, "Is Baku ready to cause geopolitical problems over Turkish-Armenian thaw?" www.militaryphotos.net



شماره مسلسل: ۱۰۱۲۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: فرآیند عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه و تأثیر آن بر ترتیبات منطقه‌ای

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: وجیهه مهری پرگو، مهدی امیری

ناظران علمی: محمد جمشیدی، حمید صفری

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: پرند فیاضی

واژه‌های کلیدی:

۱. ترکیه

۲. ارمنستان

۳. قفقاز

۴. آذربایجان

۵. ایران

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۱/۱۹